تحلیل

جعفر صارمی*

دستاوردهای اقتصادی ایران در جنگ تحمیلی سوم

با گذشت بیش از ۴۰ روز از آغاز درگیری‌های گسترده، غبار اولیه نبرد فرو نشسته و اکنون زمان آن فرارسیده است که فراتر از تحولات و اخبار میدانی، نگاهی عمیق به معادلات «اقتصاد سیاسی» و تغییرات ساختاری بیندازیم. تا پیش از این بحران، بسیاری از اندیشکده‌ها و تحلیلگران غربی بر این باور بودند که هرگونه تقابل نظامی گسترده، به سرعت به فروپاشی ماشین اقتصاد ایران منجر خواهد شد، اما بررسی‌های دقیق‌تر در این مقطع زمانی نشان می‌دهد که این نبرد، برخلاف پیش‌بینی‌ها، دستاوردهای استراتژیک، بنیادین و بی‌سابقه‌ای برای اقتصاد ایران به همراه داشته است. این تقابل نه تنها به یک بن‌بست اقتصادی ختم نشد، بلکه به عنوان یک کاتالیزور، فرآیندهایی را تسریع کرد که می‌تواند در بلندمدت مختصات اقتصاد سیاسی ایران و معماری مالی جهان را تغییر دهد.

۱. خنثی‌سازی بزرگ‌ترین سلاح مالی غرب

بدون شک، مهم‌ترین، عمیق‌ترین و ماندگارترین دستاورد اقتصادی که این جنگ برای ایران به همراه داشته و سیاست‌گذاران باید به عنوان یک هدف کلان راهبردی روی آن تمرکز ویژه‌ای داشته باشند، «کاهش و تضعیف هژمونی دلار» است. دهه‌هاست که واشینگتن، دلار را از یک واحد پولی ساده فراتر برده و آن را به یک سلاح کشتار جمعی اقتصادی تبدیل کرده است. امریکا از طریق تسلط مطلق بر درگاه‌های تبادل مالی نظیر «سوییفت» (SWIFT) و سیستم‌های تسویه بانکی مانند «چیپس» (CHIPS)، توانسته شبکه‌ای از تحریم‌های اولیه و ثانویه را با بی‌رحمی تمام بر کشورهای مستقل اعمال کند و عملاً گلوی تجارت جهانی را در دست بگیرد.

اما این رویارویی و اقدام استراتژیک در مسدودسازی و کنترل دقیق تنگه هرمز، پارادایم سنتی بازار انرژی را هدف قرار داد و موتور محرک گذار از «پترودلار» به «پترویوان» و سایر ارزهای جایگزین را روشن کرد. بدیهی است که فروپاشی کامل هژمونی دلار یک‌شبه و در عرض ۴۰ روز رخ نمی‌دهد، ولیکن این اتفاقات یک «نقطه عطف و آغاز قدرتمند» برای پایان این سلطه تاریخی است. اعمال فشار بر زنجیره عبور و مرور کشتی‌ها و الزام به تسویه با ارزهای غیردلاری، نشان داد که می‌توان از کمند این سیستم فرار کرد.

رسانه‌های بین‌المللی نیز به تدریج به این واقعیت اعتراف می‌کنند؛ چنانکه گزارش‌هایی مبنی بر پرداخت هزینه عبور کشتی‌ها به یوان چین مخابره شده و شبکه‌هایی چون الجزیره نیز به لرزان شدن پایه‌های ۵۶ سال سلطه پترودلار اشاره کرده‌اند. اهمیت این دستاورد در اینجاست که در صورتی که سیستم مالی دنیا از یکه‌تازی دلار خارج شود و به یک سیستم چندقطبی تغییر یابد، ابزار اصلی تمریکا یعنی «تحریم‌های ثانویه» عملاً کارکرد و اثر تخریبی خود را از دست خواهد داد. خنثی شدن تحریم‌های ثانویه به معنای باز شدن درهای جدید، کاهش شدید هزینه‌های دور زدن تحریم و خلق فرصت‌های بی‌شمار تجاری برای اقتصاد ایران در بلوک شرق و اقتصادهای نوظهور است.

۲. تثبیت حاکمیت بر تنگه هرمز

دومین دستاورد بزرگ این دوران، تبدیل کردن یک مزیت ژئوپلیتیک به یک ماشین تولید ثروت و استفاده عملی از ظرفیت بی‌نظیر تنگه هرمز است. این دستاورد را می‌توان در دو بخش مجزا بررسی کرد:

الف) باجه عوارض و حق حاکمیت: این جنگ سبب شد ایران قدرت بلامنازع و عملیاتی خود را بر این آبراه حیاتی تثبیت و تقویت کند. به عبارتی، عبور رایگان کالا و انرژی از این منطقه به پایان رسیده است. با دریافت عوارض عبور از کشتی‌ها در قالب‌های قانونی و اجرایی مختلفی همچون «حق بیمه»، «هزینه تامین امنیت مسیر» یا سایر الگوهای ترانزیتی، ایران به یک منبع درآمد ارزی جدید و هنگفت دست می‌یابد. نکته طلایی اینجاست که این مکانیزم درآمدی، صرفاً محدود به زمان جنگ نیست، بلکه به عنوان یک حق حاکمیتی و رویه تثبیت‌شده بین‌المللی، حتی «بعد از پایان جنگ» نیز ادامه خواهد یافت. (این همان پتانسیل عظیمی است که روزنامه تلگراف در تحلیل خود با عنوان «باجه عوارض تهران»، به قابلیت درآمدزایی چند صد میلیارد دلاری آن اذعان کرده است.)

ب) پایان عصر تخفیف‌ها و جهش نفتی: در حالی که پیش از جنگ، ایران به دلیل فشار تحریم‌ها مجبور بود نفت خود را با تخفیف‌های قابل توجهی به فروش برساند، کنترل بر تنگه هرمز باعث ایجاد شوک در عرضه، تغییر توازن بازار و جهش قیمت جهانی نفت شد و آن را در مقاطعی به بیش از ۱۱۰ دلار در هر بشکه رساند. این افزایش خیره‌کننده سبب شد ایران با وجود شرایط ملتهب جنگی، میزان درآمدهای ارزی خود از محل فروش انرژی را به شدت افزایش دهد. اما دستاورد بزرگ‌تر، تغییر جایگاه خریدار و فروشنده بود؛ نیاز مبرم بازار باعث شد تخفیف‌های تحریمی عملاً بی‌اثر شوند. طبق گزارش‌های معتبری نظیر گزارش رویترز، پالایشگران چینی «موسوم به تی پاته» برای جبران نیاز فوری خود، نفت ایران را حتی با قیمتی بالاتر از شاخص جهانی برنت (حدود ۱/۵ تا ۲ دلار بالاتر در هر بشکه) خریداری کردند که این یک پیروزی تجاری بزرگ محسوب می‌شود.

۳. تاب‌آوری کم‌نظیر اقتصادی و مدیریت موفق روانی- اجتماعی در داخل

سومین دستاورد که شاید در هیاهوی اخبار نظامی کمتر به چشم بیاید، اما از منظر امنیت ملی حیاتی‌ترین مورد است؛ مدیریت موفق اقتصاد اجتماعی در داخل کشور است. ماشین رسانه‌ای غرب و تحلیلگران آنها ماه‌ها روی این سناریو سرمایه‌گذاری کرده بودند که با شلیک اولین گلوله‌ها، اقتصاد داخلی ایران دچار یک فروپاشی سریع خواهد شد؛ آنها انتظار یک بحران عمیق، قحطی گسترده، قطع زنجیره تأمین و کمبود جدی و فلج‌کننده کالاهای اساسی را می‌کشیدند.

اما عملکرد سیستم در این ۴۰ روز، خط بطلانی بر این توهمات کشید. به لطف مدیریت ذخایر استراتژیک و تدابیر اتخاذ شده از سوی دولت، ما شاهد آن بودیم که پدیده مخرب «خرید هیجانی» شکل نگرفت. مردم به شکل غیرقابل کنترل به سمت پمپ‌بنزین‌ها و قفسه فروشگاه‌ها هجوم نیاوردند و دولت و نهادهای تنظیم‌گر بازار، اجازه ندادند شوک‌های روانی، کمبودهای سراسری و بحران‌زا ایجاد کند.

البته هر اقتصاددانی می‌داند شرایط جنگی، اقتضائات و سختی‌های خاص خود را دارد. کاملاً طبیعی است که در این مدت در برخی بخش‌ها، اصناف یا اقلام خاص، کمبودهای مقطعی، تورم یا فشارهای قیمتی دیده شود و کسی منکر این فشارها نیست، اما آنچه اهمیت دارد جلوگیری از «فروپاشی روانی بازار» و حفظ ثبات کلی زنجیره تأمین کالا و خدمات است که یک دستاورد بزرگ در حوزه تاب‌آوری اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود.

بررسی کارنامه ۴۰ روزه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که این رویارویی، با تمام دشواری‌های انکارناپذیرش، ساختار اقتصادی کشور را از یک حالت تدافعی در برابر تحریم‌ها، به یک فاز تهاجمی و فرصت‌ساز تغییر داده است. شکستن طلسم تحریم‌های ثانویه از طریق وارد آوردن ضربات کاری به هژمونی دلار، خلق درآمدهای پایدار از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تنگه هرمز، دیکته کردن قیمت نفت به خریداران و از همه مهم‌تر، حفظ انسجام و ثبات در تامین نیازهای حیاتی جامعه، همگی اثبات می‌کنند که اقتصاد ایران در حال عبور از یک گذرگاه تاریخی و ورود به پارادایمی جدید، مستقل‌تر و قدرتمندتر از گذشته است.

* پژوهشگر اقتصادی

حمیدرضا نیک‌عهد | جوان

گزارش ۳

نرگس گودرزی

آغاز بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی سوم

دولت و شهرداری متولی جبران خسارت به واحدهای مسکونی و تجاری در جنگ رمضان هستند؛ در تهران و سایر کلان‌شهرها کار به مدیریت شهری سپرده شده و در سایر شهرها و مراکز استان، امور توسط بنیاد مسکن پیش برده می‌شود

بر اساس گزارش‌های ارائه شده، بخشی از واحدهای آسیب‌دیده در تهران تعیین تکلیف شده‌اند و روند ارزیابی و رسیدگی به سایر موارد همچنان ادامه دارد. حدود ۴۰ درصد از واحدهایی که نیازمند بازسازی هستند تعیین تکلیف شده‌اند و در بخش واحدهایی که نیازمند تعمیرات متوسط بوده‌اند نیز حدود ۵۰ درصد تعیین تکلیف انجام شده است. ساختمان‌های آسیب‌دیده در سه سطح تعمیرات جزئی، تعمیرات متوسط و تخریب و نوسازی دسته‌بندی شده‌اند. در مواردی که میزان خسارت کمتر از ۳۰۰ میلیون تومان باشد، مالک می‌تواند نسبت به انجام تعمیرات اقدام کرده و پس از ارائه فاکتور به شهرداری منطقه، هزینه‌ها دریافت شود. در خسارت‌های بیش از ۳۰۰ میلیون تومان نیز ارزیابی کارشناسی انجام شده و اقدامات لازم با هماهنگی شهرداری و پیمانکاران مربوطه صورت می‌گیرد.

■■■

بخشی از ساختمان‌ها نیازمند مقاوم‌سازی یا تخریب و نوسازی هستند. بر اساس ارزیابی‌های انجام شده، ساختمان‌های نیازمند مقاوم‌سازی و بازسازی و ساختمان نیازمند تخریب و نوسازی کامل، شناسایی شده و در حال ارزیابی هستند.

در حال حاضر برای تعدادی از خانوار در شهر تهران اسکان موقت در نظر گرفته شده است که این اسکان‌ها در هتل‌ها، آپارتمان‌ها یا ساختمان‌هایی که در اختیار شهرداری قرار دارند انجام می‌شود. این اقدام عمدتاً برای واحدهایی است که تعمیر یا بازسازی آنها بیش از سه ماه زمان نیاز دارد.

در شهر تهران برای خانوارهای آسیب‌دیده مبلغ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان ودیعه مسکن به همراه ماهانه ۳۰ میلیون تومان اجاره در نظر گرفته شده که معمولاً برای دوره‌ای حدود دو سال پرداخت می‌شود تا روند بازسازی واحدها تکمیل شود و برای سال دوم نیز امکان افزایش کمک‌هزینه هم پیش‌بینی شده است.

در مواردی که ساختمان‌ها نیازمند تخریب و نوسازی باشند، این فرآیند از طریق سازمان نوسازی شهر تهران پیگیری می‌شود؛ البته اگر مالکان تمایل داشته باشند خودشان عملیات ساخت را انجام دهند، پیمانکاران مورد تأیید به آنها معرفی می‌شوند.

همچنین درصورتی که بخش‌های مشاع ساختمان مانند راه‌پله، تأسیسات یا سایر قسمت‌های مشترک دچار آسیب شده باشد، این خسارت‌ها نیز در فرآیند ارزیابی لحاظ شده و به عنوان یک واحد آسیب‌دیده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد تا هزینه‌های مربوط به آن پرداخت شود.

علاوه بر این، هیئت وزیران نیز در جلسه‌ای کمک بلاعوض ۳۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومانی برای بازسازی واحدهای مسکونی آسیب‌دیده را تصویب کرده است. بر اساس این مصوبه، برای واحدهای مسکونی در روستاها ۳۰۰ میلیون تومان، در شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت ۴۰۰ میلیون تومان، در شهرهای بالای ۲۵ هزار نفر ۶۰۰ میلیون تومان و برای مراکز استان‌ها ۷۰۰ میلیون تومان کمک بلاعوض در نظر گرفته شده است.

برای احداث واحدهای جدید متناسب با ساختمان‌های موجود نیز، به‌گونه‌ای که برای ساختمان‌های تا سه طبقه مبلغ ۲۶ میلیون تومان و برای ساختمان‌های بیش از سه طبقه ۲۸ میلیون تومان به ازای هر مترمربع کمک بلاعوض پرداخت می‌شود.

در بخش تعمیرات جزئی نیز کمک‌هایی در نظر گرفته شده که بسته به میزان خسارت بین ۹ تا ۱۸ میلیون تومان پرداخت خواهد شد. همچنین در موارد تخریب و نوسازی، شهرداری تسهیلاتی از جمله اعطای یک طبقه تراکم تشویقی و برخی معافیت‌های مرتبط با ساخت‌وساز در نظر گرفته است.

■ ضرورت ایجاد سامانه شفاف و متمرکز برای تعیین تکلیف وضعیت خسارت

با همه برنامه‌های حمایتی شهرداری و دولت برای جبران خسارات و به‌رغم اینکه اطلاعات مربوط به میزان خسارات، تعداد واحدهای تخریب‌شده و واحدهای نیازمند حمایت، به‌صورت نسبی مشخص است با این حال، ضروری است یک سامانه شفاف و متمرکز از سوی نهادهایی مانند بنیاد مسکن یا وزارت راه و شهرسازی ایجاد شود تا مردم بتوانند وضعیت خسارات، نحوه دریافت تسهیلات و روند بازسازی را به‌صورت دقیق پیگیری کنند.

ایجاد یک سازوکار شفاف باعث کاهش نگرانی در میان مردم می‌شود، چراکه برخی هنوز اطلاع دقیقی از روند رسیدگی به وضعیت واحدهای خود ندارند و حتی در مواردی مراجعه‌ای از سوی نهادهای مسئول صورت نگرفته است. راه‌اندازی سریع یک سامانه اطلاع‌رسانی و ثبت درخواست می‌تواند ضمن کاهش دغدغه شهروندان، فرآیند بازسازی و جبران خسارات را نیز تسریع کند.

■ توسعه افقی، ابزار افزایش تاب‌آوری شهری

بر اساس گزارش منابع رسمی و همانند جنگ ۱۲ روزه، شهرداری تهران برای واحدهای با نیاز به تعمیر به سرعت پیش‌قدم شده و کار بازسازی به‌خصوص برای واحدهای با آسیب جزئی در حال انجام است. اما در خصوص واحدهایی که نیاز به تخریب و نوسازی دارند، قرار است مدیریت شهری، کار بازسازی را به پیمانکار واگذار کند و پیمانکار بدون دریافت هزینه از مالکان و با دریافت تراکم مازاد از شهرداری هزینه لازم برای ساخت‌وساز را تامین کند. احتمالاً در سایر کلان‌شهرها نیز شهرداری‌ها با دست فرمان شهرداری تهران پیش خواهند رفت. اما در سایر استان، تامین اعتبار برای بازسازی و نوسازی واحدهای تخریب شده در دستور کار دولت است.

بر اساس پیش‌بینی کارشناسان، اختصاص وام در این شرایط به نوعی طرح مسکن ملی و ارائه وام‌های مسکن را با تغییراتی کاهشی روبه‌رو می‌کند. برخی کارشناسان نیز در این شرایط توصیه به توسعه افقی شهری دارند و شرایط پیش آمده را فرصتی برای این مهم ارزیابی می‌کنند. به گفته آنها، توسعه افقی شهرها با توزیع متعادل جمعیت و افزایش سرانه‌ها، نقش مؤثری در افزایش تاب‌آوری شهری در برابر بحران‌ها دارد.

فرشید ایلاتی، کارشناس ارشد بازار مسکن در این باره با اشاره به آسیب‌پذیری برخی ساختمان‌ها به‌ویژه سازه‌های بلندمرتبه اظهار کرد: بخشی از خسارات اخیر ناشی از سیاست‌های نادرست در حوزه ساخت‌وساز شهری، به‌ویژه تمرکز بر بلندمرتبه‌سازی در کلان‌شهرهایی مانند تهران است.

وی افزود: در برنامه هفتم توسعه، به‌ویژه در ماده ۵۰، به‌صراحت تأکید شده که طی پنج سال پیش‌رو باید ۲۰ درصد به مساحت شهرها و روستاهای کشور افزوده شود. اجرای این حکم قانونی می‌تواند زمینه توسعه افقی شهرها را فراهم کند.

ایلاتی ادامه داد: افزایش افقی شهرها به معنای افزایش جمعیت نیست، بلکه هدف توزیع مناسب جمعیت موجود و کاهش تراکم در بافت‌های فعلی است. با این رویکرد می‌توان سرانه‌های شهری را افزایش داد و از منظر پدافند غیرعامل، میزان آسیب‌پذیری ساختمان‌ها را کاهش داد. در شرایط فعلی، بخشی از ساختمان‌های موجود یا دچار آسیب شده‌اند یا در معرض خطر قرار دارند بنابراین، کاهش تراکم و استفاده از ظرفیت اراضی پیرامونی شهرها می‌تواند به‌عنوان یک راهکار اساسی در دستور کار قرار گیرد.

این کارشناس بازار مسکن در ادامه با اشاره به فناوری‌های نوین ساخت‌وساز در جهان به مهر گفت: کشورهایی مانند چین در حوزه فناوری ساخت‌مسکن پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته‌اند و از سطح ایمنی بالایی برخوردارند. استفاده از این فناوری‌ها در ایران از نظر فنی امکان‌پذیر است، اما موضوع مهم‌تر از بعد فنی، بحث «اقتصاد مقیاس» در صنعتی‌سازی مسکن است. صنعتی‌سازی زمانی معنا پیدا می‌کند که ساخت‌وساز در مقیاس انبوه و مستمر انجام شود. تولید محدود مسکن نمی‌تواند به شکل‌گیری واقعی صنعت ساختمان منجر شود. زمانی که از ساخت انبوه و تیراژ بالا صحبت می‌کنیم، شرایط برای ورود فناوری‌های نوین، کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت فراهم می‌شود.

ایلاتی با تأکید بر نقش سیاست‌های حمایتی دولت در این حوزه تصریح کرد: طرح‌های توسعه و حمایت از تولید مسکن، در واقع زیرساخت شکل‌گیری صنعتی‌سازی هستند و بدون این طرح‌ها، امکان تحقق ساخت‌وساز صنعتی فراهم نخواهد شد.

این کارشناس ارشد بازار مسکن عنوان کرد: باید یک برنامه پایدار و بلندمدت، حداقل در بازه ۱۰ ساله، برای تولید انبوه مسکن در کشور تدوین و اجرا شود. استمرار این روند، خود به‌طور طبیعی زمینه توسعه صنعتی‌سازی را فراهم می‌کند و بخش خصوصی نیز با اطمینان بیشتری وارد سرمایه‌گذاری خواهد شد.

یادداشت

مرحله جدید مدیریت تنگه هرمز

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

اکنون مرحله جدید مدیریت بر تنگه هرمز آغاز شده است و می‌توان آن را به‌عنوان یک تحول بنیادین در اقتصاد سیاسی انرژی و تجارت جهانی تحلیل و آن را در چارچوب بازتعریف مفهوم حاکمیت اقتصادی مورد بررسی قرار داد.

در این چارچوب، طرح دریافت عوارض از کشتی‌های عبوری، فراتر از اقدام مالی تلقی می‌شود و می‌توان آن را بخشی از یک راهبرد کلان برای بازتنظیم مناسبات قدرت در اقتصاد جهانی دانست، چه آنکه به‌طور مستقیم معادله سنتی «تحریم‌کننده و تحریم‌پذیر» را دستخوش تغییر کرده است. در شرایطی که سال‌ها ابزار تحریم برای اعمال فشار بر ایران به کار گرفته می‌شد، اکنون یک ابزار راهبردی در اختیار کشورمان قرار دارد که می‌تواند هزینه‌های طرف مقابل را افزایش دهد و فضای چانه‌زنی را متحول سازد.

■ بازتعریف نقش ایران در زنجیره تأمین انرژی

حداقل در جریان جنگ تحمیلی سوم، بارها درباره اهمیت تنگه هرمز در اقتصاد جهانی شنیده‌ایم و احتمالاً همگان می‌دانیم روزانه بخش قابل توجهی از نفت و گاز جهان از این مسیر عبور می‌کند و تغییر در وضعیت آن، اثرات فوری و بعضاً سهمگینی بر بازارهای انرژی کشورهای مختلف از جمله رژیم تروریستی امریکا داشته است. در چنین شرایطی، مدیریت هوشمند تنگه راهبردی هرمز به معنای ایفای نقش مؤثرتر در تعیین قواعد بازی در بازار جهانی انرژی است.

دریافت عوارض عبور، در سطحی فراتر از یک درآمدزایی مستقیم، نوعی تنظیم‌گری اقتصادی نیز محسوب می‌شود و به ایران عزیزمان امکان می‌دهد بر جریان انرژی نظارت داشته باشد و در عین حال، رفتار بازیگران مختلف را تنظیم کند و شرکت‌های کشتیرانی و کشورهای مصرف‌کننده انرژی، خواه خوش‌شان بیاید یا نه، ناگزیر خواهند بود این واقعیت جدید را در محاسبات خود لحاظ و بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند.

نکته قابل توجه آن است که سطح عوارض مطرح‌شده در مقایسه با ارزش محموله‌های نفتی، رقم بالایی محسوب نمی‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که هدف اصلی، ایجاد اختلال در بازار یا افزایش شدید قیمت‌ها نیست، بلکه ایجاد یک سازوکار پایدار برای مدیریت تردد و بهره‌برداری از موقعیت راهبردی کشورمان است، بنابراین چنین رویکردی می‌تواند از بروز شوک‌های ناگهانی در بازار جلوگیری کند و در عین حال، منافع اقتصادی قابل توجهی را برای مردم ایران به همراه داشته باشد.

■ عبور از هژمونی مالی غرب

یکی از ابعاد مهم تحولات اخیر، تغییر در سازوکارهای مالی مرتبط با تجارت دریایی است. استفاده از ارزهایی مانند یوان یا حتی ارزهای دیجیتال برای پرداخت عوارض، به اعتراف غربی‌ها، نشانه‌ای از تلاش برای کاهش وابستگی به نظام مالی تحت سلطه دلار به شمار می‌رود، از آن جهت، در صورت تداوم می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای ساختار اقتصاد جهانی داشته باشد، کما اینکه این پیامدها رفته‌رفته در حال خودنمایی است. البته باید توجه داشت، همانطور که قبلاً نوشتیم، اولویت بر دریافت عوارض ریالی است و باید این مسیر دنبال شود.

نظام مالی بین‌المللی هم‌راستا با نظامات سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم، به‌گونه‌ای طراحی شده است که امکان اعمال فشار از طریق ابزارهایی مانند تحریم‌های بانکی را فراهم می‌سازد و کشورهایی که در این چارچوب فعالیت می‌کنند، ناگزیر از تبعیت از قواعدی هستند که از سوی قدرت‌های مسلط تعیین می‌شود و نظام سلطه تاکنون بارها از این سازوکار برای اعمال فشار به کشورهای مستقل از جمله ایران ما استفاده کرده‌اند. در این راستا، اقدام تهران در تغییر این معادله، گامی برای ایجاد تنوع در ابزارهای مالی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی محسوب می‌شود و همین نکته باعث سراسیمگی «طبقه اپستین» شده است.

بنابراین تقویت استفاده از ارزهای غیردلاری در مبادلات انرژی می‌تواند به تدریج زمینه شکل‌گیری یک نظام مالی چندقطبی را فراهم کند. اگرچه در کوتاه‌مدت نمی‌توان انتظار داشت چنین اقدامی به‌طور کامل محقق شود، اما می‌تواند روندی تدریجی را آغاز کند که در نهایت به کاهش نقش انحصاری دلار در تجارت جهانی بینجامد.

ضمناً ترکیب ابزارهای اقتصادی با ملاحظات امنیتی، امکان ایجاد یک چارچوب پایدار را فراهم می‌کند که هم منافع ملی را تأمین و هم از بروز بحران‌های ناگهانی جلوگیری کند. استفاده از سازوکارهایی مانند بیمه دریایی، تعیین استانداردهای مشخص برای عبور کشتی‌ها و ایجاد نظام‌های نظارتی شفاف می‌تواند به تحقق این هدف کمک کند. در این میان، رفتار محتاطانه شرکت‌های کشتیرانی نیز نشان‌دهنده اهمیت ایجاد اعتماد در این مسیر است چه آنکه نبود تضمین‌های کافی و نگرانی از ریسک‌های امنیتی، موجب شده است برخی کشورها از خودسری‌ها در تنگه راهبردی هرمز اجتناب کنند و بالاخره قواعد مدیریتی جمهوری اسلامی ایران را بپذیرند.

با این توضیحات، تحولات در تنگه هرمز را باید بخشی از یک روند گسترده‌تر در نظام بین‌الملل دانست که در آن، قدرت‌های نوظهور در حال بازتعریف جایگاه خود هستند. ایران با بهره‌گیری از موقعیت راهبردی خود، توانسته یک ابزار مؤثر برای افزایش قدرت چانه‌زنی ایجاد کند و در عین حال، مسیر جدیدی برای بهره‌برداری اقتصادی از این موقعیت بگشاید. بدیهی است، موفقیت این رویکرد به میزان توانایی در ایجاد تعادل میان منافع اقتصادی، الزامات امنیتی و قواعد حقوقی بستگی دارد. اگر این تعادل به‌درستی برقرار شود، تنگه هرمز می‌تواند نقش ایران ما را در اقتصاد جهانی به‌طور قابل توجهی ارتقا دهد.

به هر روی، وضعیت تنگه هرمز دیگر به شرایط پیش از ۹ اسفند ۱۴۰۴ بازنخواهد گشت و یک نظم تازه در حال شکل‌گیری است که با تصمیم و اقدام جمهوری اسلامی ایران، ترسیم و عملیاتی می‌شود و بیانگر تغییر در منطق اداره این گذرگاه راهبردی است. در این چارچوب، ایران تلاش دارد از جایگاه جغرافیایی و حقوقی خود برای تثبیت سازوکارهای نوین بهره گیرد و الگوی پیشین تردد بی‌قید و شرط را بازتعریف کند. این رویه را باید نشانه ورود به دوره‌ای دانست که در آن ملاحظات اقتصادی، امنیتی و سیاسی به‌صورت توأمان در مدیریت تنگه هرمز نقش‌آفرینی خواهند کرد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۰۲۱-۸۸۵۴۵۴۸۸

گزارش ۲

بهناز قاسمی

توزیع بسته حمایتی تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها از هفته آینده

تسهیلات سرمایه در گردش با نرخ پایه ۲۳ درصد به بنگاه‌ها پرداخت می‌شود. شرط کلیدی، حفظ یا افزایش اشتغال است

درگیری نظامی، به‌خصوص در مناطقی با اهمیت جغرافیایی بالا مانند غرب آسیا، تأثیرات گسترده و پیچیده‌ای بر اقتصاد دارد. این تأثیرات فراتر از میدان‌های نبرد بوده و به سرعت به بازارهای مالی، کسب‌وکارها، و زندگی روزمره مردم منتقل می‌شوند. از این‌رو دولت برای حمایت از کسب و کارها در ایام جنگ تحمیلی امریکایی-صهیونی، برنامه سه مرحله‌ای در شرایط جنگی تدوین کرده است که مهم‌ترین آن، تامین سرمایه در گردش بنگاه‌های کوچک و متوسط است که به ازای حفظ کارگران و نیروی کار، ۵ درصد از سود تسهیلات کم می‌شود.

■■■

در جریان جنگ‌های تحمیلی اآمریکایی - صهیونی به ایران، به‌ویژه جنگ اخیر، مردم حامیان واقعی و اصلی نیروهای مسلح و دولت در شرایط جنگی بودند. بنابراین باید برای آنها سنگ تمام گذاشت و با تدوین بسته‌های معیشتی برای خانوار و تسهیلات سرمایه در گردش برای صنایع و بنگاه‌های کوچک و متوسط و حفظ نیروی کار و سرپا نگه داشتن کسب و کارها، بسته‌های حمایتی ویژه‌ای از سوی دولت اعطا شود، زیرا علاوه بر تخریب واحدهای مسکونی، بخشی از مردم که تولیدکننده، صاحبان صنایع، کسبه، کشاورزان و تجار هستند در جنگ تحمیلی اخیر فعالیت اقتصادیشان صدمه دیده است.

■ حمایت از کسب و کارها

وزارت اقتصاد با همکاری مجموعه اقتصادی دولت، برنامه‌ای سه‌مرحله‌ای را در دستور کار قرار داده است. به طوری که در سه هفته ابتدایی جنگ، کارگروهی با اختیارات ویژه و با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی تشکیل شد که مأموریت آن، اصلاح فوری قوانین و مقررات مزاحم برای کسب‌وکارها بود. مصوبات این کارگروه منجر به ترخیص حجم قابل توجهی از کالاها در گمرکات کشور و همچنین حل‌وفصل بخش مهمی از مشکلات بانکی و مالیاتی بنگاه‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن شد.

همچنین در مرحله دوم که همزمان با هفته‌های ابتدایی سال جدید در حال اجراست، تمرکز اصلی بر حفظ کسب‌وکارهای فعال و جلوگیری از توقف آنهاست. مهم‌ترین اقدام در این مرحله، تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌هاست تا مشکلات ناشی از اختلال در زنجیره تأمین، منجر به تعطیلی واحدهای تولیدی نشود.

در این خصوص، معاون اقتصادی وزیر امور اقتصادی و دارایی در گفت‌وگو با مهر می‌گوید: پیش‌بینی شده که فرآیند اجرایی اعطای تسهیلات برای تأمین سرمایه در گردش با هدف تداوم فعالیت بنگاه‌ها و حفظ اشتغال از هفته آینده آغاز شود.

مرتضی زمانیان به گام سوم این برنامه اشاره می‌کند و می‌افزاید: مرحله سوم مربوط به تشکیل ستاد بازسازی و تأمین مالی برای جبران خسارت‌های زیرساختی است که به دلیل ماهیت متفاوت، از موضوع سرمایه در گردش تفکیک شده است.

به گفته وی، این بخش به دلیل نیاز به منابع مالی گسترده‌تر، اختیارات قانونی متفاوت و همچنین تغییر مستمر در فهرست زیرساخت‌ها و شرکت‌های آسیب‌دیده، نیازمند بررسی‌های دقیق و زمان‌بر است.

معاون سیاستگذاری اقتصادی وزارت اقتصاد در خصوص نحوه برآورد خسارت‌های وارد شده نیز تصریح می‌کند: دولت از دو روش اصلی شامل برآورد مستقیم خسارات فیزیکی و همچنین استفاده از شاخص‌های مالی مانند جریان درآمدی شرکت‌ها و ارزش بنگاه‌های بورسی برای تخمین میزان آسیب‌ها استفاده می‌کند.

زمانیان می‌گوید: با وجود انجام برآوردهای اولیه، به دلیل پایین بودن دقت محاسبات در شرایط فعلی، هنوز رقم نهایی خسارت‌ها به‌صورت رسمی اعلام نشده است.

زمانیان همچنین از برنامه‌ریزی برای مشارکت مستقیم مردم در فرآیند سرمایه‌گذاری و بازسازی خبر می‌دهد و می‌افزاید: جزئیات این طرح‌ها به‌زودی از سوی وزارت اقتصاد اعلام خواهد شد.

■ کاهش ۵ درصدی تسهیلات به شرط حفظ اشتغال

به گزارش تسنیم، دولت در تازه‌ترین اقدام برای کمک به واحدهای تولیدی آسیب‌دیده از جنگ، دو بسته حمایتی را تصویب و ابلاغ کرده است. بر اساس مصوبه هیئت وزیران، تسهیلات سرمایه در گردش با نرخ پایه ۲۳ درصد به بنگاه‌ها پرداخت می‌شود. شرط کلیدی، حفظ یا افزایش اشتغال است که در صورت تحقق، نرخ سود با ۵ درصد یارانه کاهش می‌یابد. در غیر این صورت، نرخ بازپرداخت به ۳۵ درصد افزایش خواهد یافت. اولویت پرداخت این وام‌ها، حقوق کارکنان واحدهای جنگی‌دیده اعلام شده است.

در همین حال، وزارت صنعت، معدن و تجارت پروتکل جداگانه‌ای برای بازسازی صنایع مستقیماً آسیب‌دیده تدوین و به استان‌ها ابلاغ کرده است. بر این اساس، واحدهایی که مورد اصابت موشک یا ترکش قرار گرفته‌اند، باید با مراجعه حضوری به ادارات کل صنایع استان، فرآیند خوداظهاری خسارت را آغاز کنند. کارشناسان رسمی بدون دریافت هزینه، خسارت را بررسی و تأیید می‌کنند و سپس نوع و میزان حمایت در ستاد وزارت صمت تعیین می‌شود. تاکنون هیچ گزارشی از واحدها به معاونت برنامه‌ریزی وزارتخانه ارسال نشده است.

■ ۸ برنامه دولت برای کمک به واحدهای تولیدی

به صورت کلی دولت هشت برنامه مهم برای کمک به واحدهای تولیدی آسیب‌دیده از جنگ در نظر گرفته است:

۱. وام سرمایه در گردش ۲۳ درصدی با امکان کاهش ۵ درصدی نرخ سود در صورت حفظ یا افزایش اشتغال

۲. نرخ جریمه ۳۵ درصدی برای واحدهایی که تعهد حفظ اشتغال را نقض کنند.

۳. اولویت پرداخت وام برای حقوق کارکنان تسهیلات ابتدا صرف پرداخت حقوق کارگران واحدهای جنگی‌دیده می‌شود.

۴. اختیارات ویژه بانک مرکزی برای مدیریت بازار طلا، اسکناس و نظام‌های پرداخت بدون تشریفات عادی

۵. خوداظهاری خسارت توسط واحدها صاحبان صنایع آسیب‌دیده و اعلام نوع و میزان خسارت. همچنین بعد از تعیین نوع حمایت در ستاد وزارت صمت پس از تأیید کارشناسی، مشخص می‌شود هر واحد چه کمکی دریافت کند.

۶. تسهیل رفع مسدودی حساب چک‌های برگشتی برای کارسازی ارقام چک تا پایان شهریور ۱۴۰۵

۷. معافیت مالیاتی سود ناشی از تسعیر ارز صندوق توسعه ملی

۸. روش محاسبه قیمت خوراک تحویلی و فرآورده‌های نفتی دریافتی در تعاملات فیزیکی و مالی فی‌مابین شرکت‌های تابعه وزارت نفت با شرکت‌های پالایش نفت داخلی و مجتمع‌های پتروشیمی تعیین می‌شود.

■ جرایم دیرکرد اقساط وام بانکی تولیدکنندگان بخشیده می‌شود

همچنین به گزارش خانه صمت ایران، در جلسات وبیناری کمیسیون کشاورزی و کمیسیون ویژه حمایت از تولید مقرر شد جریمه دیرکرد از تولیدکنندگانی که به علت وقوع جنگ تحمیلی رمضان نتوانسته‌اند تولید مناسب و کافی داشته باشند، اخذ نشود.

ضمن اینکه تصمیماتی اتخاذ شد تا به تولیدکنندگانی که پیش از این تسهیلات دریافت کرده بودند، فرصت مجددی برای بازپرداخت داده شود. در هفته آتی، در هر دو کمیسیون تصمیمات نهایی اتخاذ می‌شود تا این روند به‌صورت رسمی، عملیاتی و اجرایی شود.